

واکاوی زمان ولوج روح در جنین با تأکید بر آیات قرآن کریم

احمد رضوانی مفرد *

انسبه نوراحمدی **

چکیده

از منظر فقه امامیه، حکم تکلیفی سقط جنین، در دو فرض قبل و بعد از ولوج روح، حرمت بوده و مجازات ساقط‌کننده جنین، بر طبق قوانین اسلامی، پرداخت دیه است. بروز عناوین ثانویه در مواردی خاص، استثنایی بر حکم حرمت قبل از ولوج روح بوده و فقها در صورت بروز این عناوین، قائل به جواز سقط می‌باشند؛ لذا تشخیص زمان ولوج روح به‌عنوان مرز تعیین‌کننده حرمت و جواز، از اهمیت وافری برخوردار است. مقاله حاضر، با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای، اعم از حقیقی و سایبری، مفهوم حق حیات را با توجه به آیات قرآن مورد مذاقه قرار داده و آنگاه با استفاده از احادیث تفسیری مرتبط با آیات قرآن کریم و تحلیل واژه جنین در آنها، زمان ولوج روح را بررسی کرده است. بررسی‌های صورت‌گرفته بیانگر آن است که بر اساس آیات قرآن کریم، نفخ روح به‌عنوان مرحله‌ای از سیر تکوینی انسان، پیوندی مبارک میان روح و جسم وی برقرار می‌کند که می‌توان گفت همین اشاره آیات، گویای آن است که باید میان روح حیوانی و روح انسانی، تفکیک قائل شد و برای درک ولوج روح انسانی با مراجعه به عرف، معنای عرفی حیات و زنده شدن جنین را برداشت کرد؛ لذا نباید در صورت شک و عدم حصول اطمینان به تحقق پدیده ولوج روح، بر مبنای قاعده احتیاط در دم، در موارد مشکوک، حکم به عدم جواز سقط داد.

واژگان کلیدی: خلقت انسان، دیه، مرگ مغزی، نفخ روح، ولوج روح.

* استادیار گروه الهیات دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران، (نویسنده مسئول)؛ rezvanimofrad@yahoo.com
** * طلبه سطح سه رشته فقه و اصول جامعه الزهرا(س) و دانش‌آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران؛ enourahmadi@yahoo.com

حکم تکلیفی مرتبط با مسئله سقط جنین در دو فرض قبل و بعد از ولوج روح در موارد خاص، با دیگر موارد متفاوت است و فقها با بروز عناوین ثانویه، موارد خاصی را قبل از ولوج روح، از حکم حرمت استثنا کرده‌اند (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۳۷)؛ لذا قبل از بیان احکام در دو فرض مذکور، باید به عنوان مرز تعیین‌کننده حکم حرمت و جواز، پدیده ولوج روح در جنین تبیین گردد. در بررسی پیشینه تحقیق شایان ذکر است که اگرچه اندیشمندان زیادی در زمینه ولوج روح مقالات متعددی نوشته‌اند، اما در نوشته‌های موجود، تجمیع تمامی روایات ناظر بر آیات سوره مؤمنون مشاهده نگردید و هرکدام از نویسندگان، از یک جنبه به بررسی مسئله پرداخته‌اند؛ به عنوان نمونه، بجستانی در مقاله «تأملاتی فقهی در سن ولوج روح در جنین با تأکید بر آیات قرآن»، انتشار یافته در مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی سال ۱۳۹۸ به شیوه تحلیلی و توصیفی ضمن بررسی ادله همه اقوال، نظریه شیخ مفید مبنی بر ولوج روح در شش ماهگی را قوی دانسته و با استناد به نکات تفسیری آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون درباره مراحل خلقت، رأی شیخ را اقرب به واقع عنوان کرده است (نویسندگان: فریده تاجفر، مریم آقائی بجستانی، محمد روحانی مقدم، دوره ۱۲، شماره ۴، اسفند ۱۳۹۸ صفحه ۴۹-۶۲). ساریخانی در مقاله «بررسی تطبیقی زمان ولوج روح در اسلام و سایر ادیان»، انتشار یافته در مجله پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، بهار سال ۱۳۹۹، به بررسی نظرات موجود در سایر ادیان از جمله آیین یهودیت پرداخته و سپس با بیان آیات قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام زمان ولوج روح در جنین را پس از اتمام چهارماهگی می‌داند. همچنین مسجدسرایبی در مقاله «واکاوی مبانی فقهی حکم سقط درمانی بعد از ولوج روح، با بیان مستندات فقهی»، حکم سقط درمانی بعد از ولوج روح را نقد و بررسی کرده است (نویسندگان: حمید مسجدسرائی، اعظم نظری، اکرم عبدالله پور، دوره ۱۴، شماره ۲۶، فروردین ۱۴۰۱، صفحه ۲۸۵-۳۲۲). بر این اساس، در بارداری‌های پرخطر، حفظ جان یا سلامت جسمانی مادر، واجب و مقدم بر حفظ جنین بوده و اقدام به این نوع درمان در زمان بعد از ولوج

روح، جایز و بلکه واجب است. بنابراین، این سؤال پیش می‌آید که با توجه به مشروط بودن جواز سقط جنین به قبل از ولوج روح، آیا این زمان، در قرآن و احادیث تفسیری، بیان و معین گردیده و یا تشخیص آن با پزشک است؟

برای دریافت پاسخ، لازم است به کتب تفسیری و حدیثی فقهای متقدم، تمسک جسته و با واکاوی مفهوم حیات و حق به شمار آمدن آن در قرآن و با توجه به متون حدیثی و تفسیری، زمان ولوج روح در جنین را مورد مذاقه قرار دهیم. از آنجاکه محل بحث ما مسئله سقط جنین است، بررسی روایی مطلب را به روایات دال بر وجوب دیه در صورت سقط جنین متمرکز کرده‌ایم.

۱. مراحل تشکیل جنین از منظر پزشکی

پزشکان، جنین را موجودی می‌دانند که پس از لقاح تخمک به وسیله اسپرماتوزوئید و پس از تقسیمات اولیه سلول تخم، شکل می‌گیرد و پس از آن، دوران رشد خود را در داخل رحم مادر می‌گذراند. شکل‌گیری جنین می‌تواند از دو طریق طبیعی (مقاربت زن و مرد) و مصنوعی (به شکل آزمایشگاهی و از طریق لقاح مصنوعی) صورت گیرد. در رشته جنین‌شناسی دانش پزشکی، مراحل شکل‌گیری ساختمان جسمی جنین از هنگام لقاح تا تولد، به دقت مورد بررسی قرار می‌گیرد و بر این اساس، تشکیل بافت جسمانی جنین از تخمک بارور شده، از نخستین لحظه حیات، رو به تکامل است و تا زمان تولد، به مدت نه ماه در رحم مادر، مراحل مختلف رشد را پشت سر می‌گذارد. در این میان، به ختم حاملگی در طول این بازه زمانی، سقط جنین اطلاق می‌شود که احتمال آن در هفته‌های آغازین بارداری بیشتر است؛ تا جایی که تخمین زده شده است ۵۰٪ تمام بارداری‌ها، در مراحل ابتدایی حاملگی، یعنی دو تا سه هفته پس از لقاح و قبل از اینکه زن از بارداری خود مطلع شود، منجر به سقط خودبه‌خودی می‌شوند (سالدر، ۱۳۶۷، ص ۴۱). هفته سوم تا هشتم را اصطلاحاً دوره رویانی یا «امبریونیک» یا اندام‌زایی می‌گویند. در این مرحله، تشکیل بافت‌ها و اندام‌های رویان به وقوع می‌پیوندد و در انتهای این دوره، سیستم ارگان‌های اصلی برپا می‌شود و شکل خارجی جنین، قابل تشخیص است (پریور، ۱۳۷۸، ص ۲۵). در هفته چهارم تکامل، قلب رویان شروع به تپیدن می‌کند و تا هفته هشتم، اندام‌ها و دستگاه‌های مهم بدن انسان تشکیل می‌شود.

در ماه پنجم، تمامی اندام‌ها تشکیل شده و حتی ابروها و موی سر نیز قابل مشاهده است. در طی این ماه، معمولاً حرکات جنین توسط مادر به خوبی قابل درک است (سالدر، ۱۳۶۷، ص ۶۸، ۸۹ و ۹۵). در سومین ماه شکل‌گیری جنین، اندام تناسلی آن نیز مشخص می‌شود و می‌توان جنسیت جنین را دریافت (گودرزی، ۱۳۷۷، ص ۲۲). از هفته نهم تا انتهای دوره زندگی داخل رحم را دوره جنینی یا فِئال (Fetal) می‌گویند (پریور، ۱۳۷۸، ص ۲۵) که در این دوره، اندام‌ها و بافت‌ها می‌رسند و ارگان‌های تشکیل شده، رشد می‌کنند.

درباره مراحل مختلف رشد جنین و آغاز حیات آن، از منظر جنین‌شناسی، تقسیمات متعددی ارائه شده است. برخی، حیات جنین را از زمان لقاح نطفه در رحم می‌دانند و از نظر برخی دیگر، حیات دو قسم دارد: یک حیات سلولی موجود در نطفه و دوم حیات بافتی، که در هنگام تقسیم شدن سلول‌ها در جدار رحم و تداوم تقسیم آن به وجود می‌آید و از هفته دوازدهم دوران بارداری آغاز می‌شود. از منظر گروهی دیگر، آغاز حیات، نه از زمان در رحم قرار گرفتن نطفه، بلکه از زمانی که اسپرماتوزوئید با تخمک، ترکیب می‌شود و به دیواره رحم می‌چسبد آغاز می‌گردد (محسنی قندهاری، ۱۴۲۴ق، ص ۲۸-۳۶)، اما در هیچ‌کدام از این تقسیمات، مسئله ولوج روح مطرح نشده و لذا می‌توان چنین استنباط کرد که تعلق روح به بدن به عنوان پدیده‌ای غیرمادی، از حوزه پژوهش این دانش، خارج است و همین موضوع، سبب گردیده که در علم پزشکی، بدون تفکیک میان انواع حیات، جنین را از همان آغاز انعقاد نطفه و عمل لقاح، موجودی زنده و دارای حیات به‌شمار آورد (مجموعه مقالات حقوق پزشکی، ج ۴، ص ۲۳۵).

در کنار تقسیمات یادشده، قرآن کریم به عنوان یک منبع کامل علم الهی، مراحل را برای حیات جنین در نظر گرفته که در ضمن آن، به مسئله ولوج روح اشاره کرده است. این مراحل، به قرینه آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون، شامل مرحله نطفه، مرحله علقه، مرحله مضغه، مرحله عظام (اسکلت بندی)، مرحله لحم (رویش بافت) و مرحله دمیده شدن روح است که متخصص جنین‌شناسی، «کیت مور» این تقسیم‌بندی را نسبت به تقسیم‌بندی هفته‌ای حیات جنین دقیق‌تر دانسته است (به نقل از: نورمحمدی، ۱۳۸۸، ص ۱۲). وی در کتاب خود، ملاک تقسیم‌بندی مراحل رشد جنین را بر اساس قرآن قرار داده است؛ زیرا کلام الهی، از اصلی واضح و آشکار در تکامل جنین سخن

می‌گوید. در آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مبارکه مؤمنون در قرآن کریم، مراحل به زبانی ساده مورد اشاره قرار گرفته است: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ (۱۲) ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ (۱۳) ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (۱۴)» که همین امر موجب گردیده تا مشهور فقهای امامیه، برای حیات، سه حالت در نظر گیرند: زندگی گیاهی، زندگی حیوانی و زندگی انسانی؛ به این صورت که حیات جنین تا هنگامی که حس و حرکت ارادی نداشته؛ حیات گیاهی، پس از نمودار شدن حس و حرکت در آن حیات حیوانی و پس از دمیده شدن روح، حیات انسانی است و پس از آن، انسان در مراحل زندگی خویش به انواع دیگری از زندگی دست می‌یابد که از نوع دیگری غیر از این سه نوع است (محسنی قندهاری، ۱۴۲۴ق، ۳۶). لذا مسئله ولوج روح، در تشخیص زمان آغاز حیات انسانی، اهمیت ویژه‌ای دارد (امامی، ۱۳۸۵، ص ۴۸). برخی از پژوهشگران، کوشش‌های قابل توجهی برای تطبیق مراحل رشد جنین در قرآن کریم با دستاوردهای جدید دانش جنین‌شناسی انجام داده و به نتایج ارزشمندی در راستای کشف معجزات علمی قرآن کریم دست یافته‌اند (اسکندرلو و زیدی، ۱۳۹۵، ص ۷۵-۹۰؛ آل‌رسول و طاهری‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۹-۲۲؛ جهانیان و فرهودی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۳-۱۷۰؛ کامکار و رضوی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۹-۱۵۹).

۲. خلقت انسان در قرآن کریم

در قرآن کریم، درباره اصل خلقت انسان، مجموعاً شانزده تعبیر به کار رفته است که عبارتند از: «مَاءٌ» (نور: ۴۵)، «مَاءٍ مَّهِينٍ» (سجده: ۸ و مرسلات: ۲۰)، «مَاءٍ دَافِقٍ» (طارق: ۶)، «تُرَابٌ» (کهف: ۳۷)، «طِينٌ» (سجده: ۷)، «طِينٍ لَّازِبٍ» (صافات: ۱)، «سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ» (مؤمنون: ۱۲)، «صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ» (الرحمن: ۱۴)، «صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ» (حجر: ۲۶، ۲۸ و ۳۳)، «نُطْفَةً» (نحل: ۴؛ حج: ۵ و فاطر: ۱۱)، «مَنِي يَمْنَى» (قیامت: ۳۷)، «نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ» (انسان: ۲)، «عَلَقٌ» (علق: ۲)، «عَجَلٌ» (انبیاء: ۳۷)، «ضَعْفٌ» (روم: ۵۴) و «نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (انعام: ۹۸) به معنی: «آب، آب پست، آب جهنده، خاک، گل، گل چسبنده، چکیده از گل، گل خشک همچون سفال، گل خشک از لجن بدبو، نطفه، منی ریخته شده، نطفه مختلط و درهم، خون بسته شده یا کریم، شتاب، سُستی و نفس واحد».

بر اساس آیات قرآن، مبدأ آفرینش، خاک آغشته و مخلوط به آب است که گِل نام دارد. گِل، آن چیزی است که گیاه از آن حاصل می‌شود، همان گیاهی که غذای همه حیوانات است، و نطفه از آن غذا به وجود می‌آید. پس مبدأ اصلی برای به وجود آمدن انسان، همان خاک تبدیل شده به صورت گل است؛ اما ابتدای آفرینش انسان به این دنیا و جریان به وجود آمدنش، همان نطفه حاصل شده از مرد و زن است. نطفه از آن جهت به منی تعبیر می‌شود که مظهري برای شهوت و میل نفسانی است که به اعتبار جاری شدن آن به هنگام ازدواج، عنوان نطفه را به خود اختصاص داده است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۲، ص ۱۶۰).

قرآن کریم با کاربرد یازده بار کلمه «نطفه» و یک بار کلمه «النطفه»، که تمام موارد آن درباره آفرینش انسان است، این مطلب را متذکر می‌شود که انسان از نطفه آفریده شده و این مرحله نخستین از مراحل آفرینش اوست.

﴿أَمْحَسِبُ الْإِنْسَانَ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى (۳۶) أَلَمْ يَكْ نُطْفَقَهُ مِنْ مَنِ يَمْنَى (۳۷)﴾ (قیامت: ۳۶-۳۷)؛ «آیا انسان گمان دارد که بیهوده رها می‌شود، مگر آب کمی از منی نبود که ریخته می‌شد» (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۶۱).

﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ﴾ (انسان: ۲)؛ منظور از نطفه به معنای جاری بودن، در اینجا، منی زن و مرد است که به صورت مرکب، نطفه را به وجود می‌آورند. بنابراین، انسان از سلولی مرکب از اسپرم از جانب مرد و اوول از جانب زن به وجود می‌آید (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۱، ص ۱۱۵-۱۱۶). ابوالفتح رازی معتقد است که: «آدمی را از این آبی که آن را نطفه خواند، و آن آبی است که از میان پشت و استخوان‌های سینه بیرون آید، خلق نموده است» (رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۱۰-۱۱). طبرسی در ذیل آیه ۵ سوره حجّ فرموده: «نطفه به معنی آب کم است از مذکر و مؤنث و هر آب صاف را نطفه گویند» و در ذیل آیه ۲ سوره انسان فرموده: «اصل نطفه به معنی آب کم است، گاهی به آب زیاد نیز گفته شود» (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۴۰۸). در تفسیر المیزان چنین بیان گردیده است: «نطفه در اصل به معنای آب اندک، ولی در استعمال به معنای آب حیوان نری که از آن، همجنس آن تولید می‌شود، غلبه پیدا نموده است و آمشاج به معنای مختلط و ممتزج بوده و نطفه را یا به اعتبار اجزای مختلفش، و یا به اعتبار اختلاط آب نر و ماده، به این وصف توصیف گردیده

است، و ابتلاء نقل چیزی است از حالی به حالی و از طوری به طوری؛ لذا مراد از ابتلای انسان در خلقتش از نطفه، همان است که در چندین جا خداوند در کلامش از آن سخن به میان آورده است که نطفه را آفرید و سپس آن را به علقه تبدیل نمود، و علقه را مُضْغَه کرد تا آخرین اطواری که بر آن جاری می‌شود؛ تا برسد به آنجا که آن را خلقتی دیگر و آفرینشی جداگانه بنماید» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۱۲۱).

در برخی آیات قرآن، علاوه بر مبدأ آفرینش انسان، چند مرحله از سیر شکل‌گیری انسان نیز بیان شده است، مانند خاک سپس نطفه (کهف: ۳۷ و فاطر: ۱۱)؛ خاک سپس نطفه و سپس علقه (غافر: ۶۷)؛ نطفه سپس علقه (قیامت: ۳۷-۳۹) و خاک سپس نطفه سپس علقه سپس مضغه تمام در خلقت و مضغه ناتمام در خلقت (حج: ۴).

خداوند در آیات ۶ تا ۸ سوره سجده روشن می‌سازد که آفرینش از گل، مربوط به خلقت اولین انسان و آفرینش از نطفه و مراحل پس از آن، مرتبط با خلقت تک‌تک انسان‌ها و نسل انسان نخستین است. در مجموع این آیات، پس از نطفه، به مرحله تمامیت در خلقت و دمیده شدن روح و آفرینش شنوایی و بینایی و قلب تصریح شده است (سجده: ۶-۸).

در آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون، علاوه بر مبدأ آفرینش اولین انسان از عصاره‌ای از گل، شش مرحله دیگر از آفرینش انسان‌ها بیان شده است. طبق این آیات، مراحل آفرینش عبارتند از: نطفه؛ منظور در اینجا، منی زن و مرد است که به صورت مرکب، نطفه را به وجود می‌آورند. به عبارت دیگر انسان، از سلولی مرکب از اسپرم از جانب مرد و اوول از جانب زن به وجود می‌آید (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۱، ص ۱۱۵-۱۱۶).

علقه: خونی که از نطفه ایجاد شده است.

مضغه: قطعه گوشتی که پس از علقه به وجود می‌آید.

عظام: حالتی از جنین که استخوان‌هایی به شکل غضروف در آن ایجاد شده و هنوز گوشت بر روی آن نروییده است.

لحم: در این مرحله، اطراف استخوان، با گوشت پوشیده شده و آخرین مرحله تکامل است، به نحوی که از نظر فیزیکی، جنین کامل می‌شود، ولی هنوز روح در آن دمیده نشده است.

جنین کامل: که ولوج روح در آن صورت گرفته و حکم انسان کامل را دارد (شهید اول، ۱۳۸۴، ص ۳۲۱-۳۲۲).

برخی محققان، کوشش‌های قابل توجهی برای تطبیق مراحل رشد جنین در قرآن کریم با دستاوردهای جدید دانش جنین‌شناسی داشته و به نتایج ارزنده‌ای در راستای کشف معجزات علمی قرآن کریم دست یافته‌اند (اسکندرلو و زیدی، ۱۳۹۵، ۱۸، ص ۷۵-۹۰؛ آل‌رسول و طاهری‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۹-۲۲؛ جهانیان و فرهودی، ص ۱۶۳-۱۷۰؛ کامکار و رضوی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۹-۱۵۹). آنچه در ادامه به آن می‌پردازیم، مسئله نفخ روح در جنین است که در پنج آیه از قرآن کریم به صراحت سخن از آن به میان آمده است.

۳. ولوج روح در قرآن کریم

در متون فقهی و در مقام بیان حکم وضعی و تکلیفی سقط جنین، مرحله «دمیده شدن روح» در جنین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از یک سو، از نظر غالب فقها، ادله‌ای که سقط جنین قبل از ولوج روح را تجویز می‌کند، قابل انطباق بر شرایط پس از ولوج نیست و از سوی دیگر، برخی احکام وضعی مترتب بر سقط جنین، قبل و بعد از ولوج روح، متفاوت است. به عنوان مثال، با ملاحظه روایات دیه جنین (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۴۳)، به وضوح می‌توان دریافت که موضوع حکم دیه کامل برای جنین، ولوج روح است. از این رو، تعیین زمان دقیق ولوج، ضرورت می‌یابد. واژه ولوج یا ولوج روح، مستقیماً در قرآن مجید ذکر نشده است؛ بلکه این مفهوم، از عبارات قرآنی «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ» (مؤمنون: ۱۴) و «ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ» (سجده: ۹) استفاده می‌شود. واژه «روح» نیز در کلام الهی به صور گوناگونی استعمال شده است (بقره: ۸۷؛ نحل: ۱۰۲؛ مجادله: ۲۲؛ نساء: ۱۷۱؛ شوری: ۵۲؛ مریم: ۱۷؛ معارج: ۴ و اسراء: ۸۵).

معنای متبادر از واژه «روح»، موجودی است که مبدأ حیات است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۱۹۵ و راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۶۹) و این معنا در تمامی موارد استعمال روح در قرآن دیده می‌شود. در مورد معنای دقیق نفخه روح در تفاسیر مختلف قرآنی، معانی متفاوتی بیان شده است؛ درحالی‌که در نصوص قرآنی، معنای روشنی از آن ارائه نشده است که آیه ۸۵ سوره مبارکه

اسراء نیز به این عدم تعریف اشعار دارد. مطابق آیه مذکور، از رسول خدا ﷺ درباره روح پرسش شد که آیه شریفه «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا»؛ «از تو درباره روح می پرسند، بگو روح به امر پروردگار من است. و ما شما را جز اندکی از علم ندادیم» نازل گردید. با نظر به آیه مبارکه مذکور، بدیهی دانسته می شود که عدم آگاهی از جوهر و ماهیت روح، با اعتراف به وجود آن منافاتی ندارد؛ زیرا روح از این منظر، همچون خالق است که به رغم یقین به هستی او، کمترین راهی به ذات او نیست: «قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي».

مستفاد از کلام برخی مفسران و فقها، حقیقت روح، پدیده ای «غیرمادی» است که درعین حال ممکن است به دلیل ارتباط وثیق آن با بدن، منشأ تحولاتی در جسم شود و از آن طریق بتوان زمان حدوث آن را تشخیص داد (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۴، ص ۲۵۹)، به عنوان مثال، در مقام تفسیر آیه «ثم أنشأناه خلقاً آخر» چنین بیان شده است که «خداوند متعال در این عبارت، سیاق را از خلقت قرار نداده، بلکه به انشاء تعبیر کرده است تا بر این دلالت نماید که آنچه در آخر به وجود می آید، حقیقت دیگری است غیر از آنچه در مراحل قبلی بود. از سیاق آیات، روشن است که صدر آیات، آفرینش تدریجی مادی انسان را توصیف می کند و در ذیل، که به پیدایش روح یا شعور و اراده اشاره دارد، آفرینش دیگری را بیان می دارد که با نوع آفرینش قبلی مغایر است. این اختلاف تعبیر، خود شاهد بر این است که خلق آخر از سنخ دیگری است که نمی تواند مادی باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۲۱).

بر اساس متون اسلامی و یافته های جدید علمی، جنین در تمام مراحل تکامل خود، دارای حیات است و به کار بردن تعبیر «ولوج روح»، این شبهه را ایجاد می کند که جنین تا آن زمان فاقد حیات است، از این رو، به منظور پیشگیری از هرگونه سوء تفاهم، پیشنهادهایی از جمله استعمال عنوان «ولوج روح العقل»، به جای کاربرد عبارت «ولوج روح» مطرح شده است (حسینی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۱)؛ با این استدلال که عدم استفاده از عنوان «روح العقل» ممکن است این برداشت را ایجاد کند که برای نخستین بار، روح در جنین به وجود می آید؛ درحالی که روان در تمام مراحل جنینی وجود دارد و چنان که امام سجاد علیه السلام می فرماید: «در صورتی که جنین، فاقد روح بود، از حالی به حال دیگر تحوّل نمی یافت» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۸۲).

در برخی روایات نیز روح حیوانی از روح انسانی در انسان‌ها متمایز دانسته شده که این تمایز، مطابق با دیدگاه بسیاری از متکلمان و فیلسوفان است. به عنوان نمونه، در روایتی از امام کاظم علیه السلام وارد شده است که روح حیوانی هر انسانی هنگام خواب در بدن وی می ماند، اما روح العقل (روح انسانی) از او جدا می شود و تنها هنگام مرگ است که روح حیوانی از بدن انسان خارج می شود (بحرانی آل عصفور، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۲۶۴).

بعضی از اندیشمندان اسلامی و پزشکان قدیم، روح را در علم طب، نوعی جسم لطیف بخاری می دانستند که حامل قوای انسانی است؛ یعنی فعالیت بدن وابسته به آن است، اما روح در اصطلاح فلسفی، همان نفس ناطقه توصیف شده که غیرمادی است (حسن زاده آملی، ۱۳۷۳، ص ۵۲).

نفس ناطقه انسانی، عبارت از حقیقت واحدی است که مظهر و آینه وجود حق و محل تجلی اسم جامع الهی است (خوارزمی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۶۰۲). این تفسیر، با این مطلب منافاتی ندارد که منظور از آن، همان روح باشد؛ زیرا نفس ناطقه انسانی، همان روح الهی است که در وی دمیده شد و به همین حقیقت، قوه ادراکی انسان، قوی تر از دیگر موجودات است.

همان گونه که بیان شد، در پنج آیه از آیات قرآن کریم به مسئله نفخ روح پرداخته شده که دو مورد درباره حضرت آدم علیه السلام (حجر: ۲۹) و دو مورد درباره حضرت عیسی علیه السلام است (انبیاء: ۹۱ و تحریم: ۱۲). مورد پنجم اگرچه به نظر می رسد که آن هم درباره حضرت آدم علیه السلام باشد، ولی ظاهراً درباره مطلق انسان است (سجده: ۷-۹). در نهایت، در آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون، پس از بیان مراحل مختلف آفرینش جنین، متذکر گردیده که پس از آن، در او آفرینشی متفاوت پدید می آوریم. با بهره گیری از آیات مربوط به خلقت انسان و نیز روایات وارد شده درباره آیه فوق، روشن می شود که مقصود خداوند از آفرینشی متفاوت در این آیه، همان نفخ ولوج روح در جنین انسان است.

در سه آیه از این آیات، مرحله نفخ روح، بعد از مرحله تمامیت خلقت (تسویه) قرار داده شده است (سجده: ۸). پس قرآن کریم، میان تسویه به معنای تمامیت خلقت جسمانی با نفخ روح، فرق نهاده است. همچنین از دلالت ضمنی مفهوم نفخ (دمیدن) و به ویژه آیه ۱۴ سوره مؤمنون، که از مرحله نفخ روح، به خلق آخر یاد کرده، ظاهر می شود که این مرحله از تکمیل انسان، اگر نگوییم غیرمادی است، لا اقل هم سنخ دیگر مراحل خلقت مادی و جسمانی انسان نیست و مرتبه ای برتر

است که سبب حیات انسانی برای آن می‌گردد (مصباح یزدی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۵۶). بنابراین، از دیدگاه قرآن، روح و نحوه تعلق (نفخ و یا ولوج) آن به بدن، پدیده‌ای غیرمادی و یا لاقلاً متفاوت با سایر پدیده‌های جسمانی و مادی است. این سخن ضرورتاً به معنای نفی تأثیر و ارتباط این پدیده (ولوج روح) یا تقارن آن با برخی آثار مادی و جسمانی در جنین انسان نیست. به عبارت دیگر این احتمال وجود دارد که هرچند روح و ولوج آن در بدن از سنخ سایر پدیده‌های جسمانی نیست، ولی ممکن است به جهت ارتباط وثیق روح با بدن، منشاء تحولاتی در جسم شود که از آن طریق بتوان زمان حدوث آن را تشخیص داد.

توجه به این نکته لازم است که از موارد استعمال واژه روح در قرآن به دست می‌آید که قرآن کریم، این کلمه را بر زندگی نباتی اطلاق نکرده و در این گونه موارد، از کلمه حیات بهره برده است (حدید: ۱۷ و ق: ۱۱). پس اگرچه جنین از اولین مراحل تکوینی که نطفه‌ای بیش نیست دارای حیات نباتی و آثار آن، یعنی رشد و تغذیه است، ولی تنها بعد از تمامیت خلقت جسمانی، صاحب روح می‌گردد.

۴. تبیین آغاز حیات آدمی با ولوج روح

از نظر اسلام، وجود انسان با دو بعد روح و جسم، از نطفه شکل می‌گیرد. آنچه از آیات ۲۹ سوره حجر و ۷۲ سوره ص قابل استنباط است اینکه در آدمی، جز بدن، چیز بسیار شریفی که مخلوق خداست - نه جزئی از خدا - وجود دارد و تا آن چیز شریف در انسان به وجود نیاید، جنین، انسان نمی‌گردد (مصباح یزدی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۰۵). بنابراین خلقت انسان از خاک بوده، ولی در اصل، بعد از نطفه آفریده شده است (سجده: ۸ و مومنون: ۱۴). در کنار رشد جسمانی، با دمیده شدن روح در جنین، تحولی دیگر آغاز می‌شود (شهریاری، ۱۳۸۶، ص ۳۸۵-۳۹۵).

همان گونه که اشاره شد فقها در تعیین معیار زمانی برای مراحل رشد جنین قبل از ولوج روح اختلاف دارند. از نظر برخی، در شرع، تحدید زمانی برای مراحل رشد جنین قرار داده نشده و ملاک، تحقق عناوین هر مرحله در خارج است (حکیم طباطبایی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۸۷). برخی مانند شیخ مفید و ابن براج، با محاسبه چهل روز برای هریک از مراحل نطفه، علقه، مضغه

و عظام و بیست روز برای لحم، به ۱۸۰ روز که زمان شش ماهگی است می‌رسند و این هنگام را زمان ولوج روح می‌دانند (شیخ مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۵۳۹؛ ابن براج طرابلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۳۴۰؛ حلی الهمدلی، ۱۴۰۵ق، ص ۶۰۲). ابن ادریس برای هر مرحله، بیست روز تأیید کرده که براین اساس، ۱۲۰ روز نیز زمان ولوج روح است (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۴۱۶). آیت‌الله خوبی به استناد روایات مراد موثق حسن بن جهم و دو صحیحه زراره، برای هریک از مراحل رشد نطفه، علقه و مضغه، چهل روز قرار داده که پایان چهار ماهگی است و این قول را کسانی همچون علامه مجلسی، به مشهور فقها نسبت داده و می‌افزاید که بیشتر اخبار بر آن دلالت دارند (وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۴۰۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، جلد ۵۸، ص ۱۹). درحالی‌که مشهور فقیهان، مراحل رشد جنین را تحدید زمانی نکرده‌اند، جمعی از فقیهان معاصر همین فتوا را برگزیده‌اند (حکیم طباطبایی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۸۷؛ موسوی سبزواری، ۱۴۱۷ق، ج ۲۹، ص ۳۱۱؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۴۰۶؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۶، ص ۳۵۳؛ تبریزی، ۱۴۲۷ق، ج ۵، ص ۸۳؛ محسنی قندهاری، ج ۱، ص ۲۵). شیخ انصاری پس از نقل اظهار نظرهای پزشکان و زنان در مورد ولوج روح قبل چهار ماهگی بر این نکته تأکید می‌نماید که چون مستند قول چهار ماهگی، روایات و احادیث نبوی است، لذا با اظهار نظر پزشکان، خللی به این قول وارد نمی‌آید؛ هرچند از پزشکان نقل شده که ولوج روح در پایان دو ماهگی ممکن است و زنان نیز به تجربه یافته‌اند که حرکت جنین در سه ماهگی آغاز می‌شود (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۴۲۱-۴۲۲؛ اصفهانی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۷۴؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۱۱۲ و ۱۹۵؛ تقوی و همکاران، ۱۳۹۵ق، ص ۴۷). از جمله مستنداتی که می‌توان به‌عنوان مؤید این قول بیان کرد، مجموعه روایاتی است که وجوب غسل میت را برای جنین مرده بعد از چهار ماهگی و یا تمامیت خلقت بیان کرده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۱۰؛ جمع من المحققین فی اللجنه الفقئیه، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۲۸۲؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۰۱). از نظر بعضی فقها، از جمله نویسنده کتاب فقه الرضا، شیخ صدوق، علامه حلی، شهید اول، محقق کرکی، شیخ بهایی و صاحب حدائق، زمان تمامیت خلقت جنین، چهار ماهگی است (المنسوب للامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶ق، ص ۱۷۵؛ حلی، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۱۷۶-۱۷۷؛ الشهد الاول، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۱۵؛ نراقی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۱۵؛ المحقق الثانی الکرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱،

ص ۴۰۶؛ شیخ بهایی، ۱۳۹۰ق، ص ۶۴؛ بحرانی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۴۰۸؛ قطیفی آل طوق، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۴۱۵؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۳۴۵؛ طباطبایی قمی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۶۴۵. فاضل هندی، تجربه را دلیل بر حلول حیات در چهار ماهگی قرار داده است (فاضل هندی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۲۰۴). به نظر محقق همدانی، برخی روایات، دلالت بر این دارد که ولوج روح در چهار ماهگی است، ولی تأکید می‌کند که این زمان برای ورود روح به طور غالب است و مورد مخالف آن نیز ممکن است واقع شود (همدانی، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۱۵۴). از فقهای معاصر نیز حضرات آیات: فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی و منتظری، چهار ماهگی را مظنه زمان ولوج می‌دانند (فاضل لنکرانی، بی تا، ص ۱۲۳؛ منتظری، ۱۴۲۷ق، ص ۱۰۷؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۹ق، ص ۹۴).

از منظر برخی دیگر از جمله صاحب مدارک و صاحب جواهر، چهار ماهگی ملازمه‌ای با ولوج روح نداشته، بلکه مظنه زمان ولوج است؛ به همین علت ممکن است ولوج روح اندکی قبل یا بعد از چهار ماهگی تحقق یابد (موسوی العاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۷۶؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۱۲). علامه مجلسی نیز میان ولوج روح و چهار ماهگی، هیچ تلازمی نمی‌داند (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۷۹، ص ۱۱). آنچه مستند سخن ایشان است این است که از منظر اطبا، نفخ روح گاهی در چهل و سومین (از ۸۰ تا ۱۲۰) روز و گاهی بعد از آن به وقوع می‌پیوندد (مجلسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲۱، ص ۲۳). شیخ حر عاملی بعضی اختلافات میان روایات در تکوین و زمان مراحل مختلف خلقت جنین را به اختلاف جنین‌های گوناگون با یکدیگر حمل کرده است (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۱۴۲). شاید بتوان دلیل این مدعا را این دانست که برای پدیده تکوینی ولوج روح، مثل سایر پدیده‌های تکوینی، همچون زمان دقیق تولد انسان و حتی رشد او نمی‌توان زمان خاص و دقیقی را معین کرد، زیرا زمان تحقق این گونه پدیده‌های تکوینی، بسته به اوضاع و شرایط جنین و مادر، همچون تغذیه، نژاد، ژن، آب و هوا و امور دیگر، قابل تغییر است. لذا به عنوان جمع‌بندی می‌توان چنین نتیجه گرفت که پس از گذشت چهار ماه از زمان انعقاد نطفه و ایجاد جنین، اصل بر ولوج روح و حیات جنین است، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. بر اساس وفور روایات در زمینه چهار ماهگی و تطبیق آن بر آیات قرآن می‌توان گفت ضرورت جعل اماره قانونی برای جنین که در شکم مادر پنهان است بر برخی از پدیده‌های تکوینی همچون رشد و... که موضوع حکم شرعی هستند،

ترجیح داده شده و در راستای ارائه معیار عینی در حل مخاصمات برای سهولت در دادرسی، بر شارع لازم است تا برای اماره قانونی در مسئله سلب حیات جنین، که تحولات آن برای بشر به روشنی قابل شناسایی نیست، سن چهار ماهگی را لحاظ نموده، از این رو در روایات متعدد برای مراحل رشد مانند نطفه، علقه و مضغه زمان دقیق تعیین کرده باشد. از طرف دیگر، چهار ماهگی به استناد شواهد و قرائن تجربی و علمی، مظنه ولوج روح است؛ همان گونه که برخی پژوهشگران نیز با توجه به قرائن و شواهد دانش جنین شناسی، چهار ماهگی را هنگام ولوج روح دانسته اند (جهانیان و فرهودی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۳-۱۷۰؛ کامکار و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۳۹-۱۵۹). بنابراین زمان چهار ماهگی، بهترین زمان برای تعیین سنی به عنوان اماره قانونی برای ولوج روح در جنین است.

البته تأکید این مطلب لازم است که اگرچه ولوج روح در این زمان اتفاق می افتد، اما از نظر شارع مقدس، حتی از بین بردن اسپرم مرد بدون اذن وی جایز نیست و لذا به طریق اولی، از بین بردن جنین معلول که ترکیبی از اسپرم مرد با تخمک زن است، حتی در روزهای آغازینی که حیات آن شکل گرفته، جایز نیست و این مسئله برای شارع مقدس اهمیت داشته و مرتکب عمل، مشمول پرداخت دیه می گردد (نوراحمدی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۶۵-۶۹).

پس از قرار گرفتن نطفه در رحم زن و تبدیل شدن آن به جنین تا قبل از ولوج روح، در زمانی که جنین شرایط لازم برای رشد را دارد، روایات زیادی وجود دارد که در ادامه به تبیین حق حیات جنین و نحوه خلقت آدمی در روایات می پردازیم:

۵. ولوج روح در روایات

روح در روایات، استعمالات متفاوت بسیاری دارد (امامی، ۱۳۸۵، ص ۵۷-۶۰). در این میان، روایات فراوانی برای مراحل مختلف رشد جنین، دیه تعیین کرده که آخرین این مراحل، ولوج روح است. لسان این روایات در بیان احکام دیه سقط جنین، گاهی ناظر بر دو مرحله، گاهی چهار و گاهی پنج و شش مرحله است که به عنوان نمونه، به برخی روایات اشاره می کنیم:

مراحل خلقت جنین در روایات معتبر ظریف از امیرالمؤمنین علیه السلام و صحیححه سلیمان بن سالم از امام صادق علیه السلام و ضعیف یا صحیح ابن مسکان از امام صادق علیه السلام (برخی همچون محقق

اردبیلی این روایت را صحیح می‌داند: ۱۴۰۳ق، ج ۱۴، ص ۳۲۴؛ مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۰، ص ۴۲۰) و مرفوعه شیخ مفید از امیرالمؤمنین علیه السلام و روایت ضعیف از امام صادق علیه السلام درباره دیه میت و روایت مرسل دعائم الاسلام از امام باقر علیه السلام (طوسی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۰، ص ۲۸۵؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۹، ص ۳۱۲)، شش مرحله ذکر شده که در آن به ولوج روح و تمامیت انسان اشاره گردیده و برای هر مرحله، دیه‌ای خاص مقرر شده است. این روایات، با آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون در تعیین شش مرحله برای رشد جنین هماهنگ هستند.

در روایت صحیح محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام و روایت ضعیفی از آن حضرت، چهار مرحله برای دیه تعیین شده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۳۴۴-۳۴۵؛ اشعری قمی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۵۷). فقیهان، عظام در این روایات را حمل بر مرحله ولوج روح کرده‌اند (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۱ و ۴۲، ص ۴۹۲؛ موسوی سبزواری، ۱۴۱۷ق، ج ۲۹، ص ۳۱۰).

در روایت صحیح اباشبل از امام صادق علیه السلام، برای علقه ۴۰ دینار، مضغه ۶۰ دینار، عظم ۱۰۰ دینار و ولوج روح که در پنج ماهگی تعیین شده، دیه کامل قرار داده شده است (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۴۴؛ طوسی، ۱۴۱۸، ج ۱۰، ص ۲۸۴؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۹، ص ۳۱۵).

در روایت ضعیف یا صحیح (علامه مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۰، ص ۴۱۹) سعید بن مسیب از امام زین العابدین علیه السلام میزان دیه برای نطفه، علقه و مضغه بیان گردیده و در ادامه، برای پس از آنکه روح در جنین دمیده شد، دیه کامل مقرر شده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۳۴۷؛ طوسی، ۱۴۱۸، ج ۱۰، ص ۲۸۲؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۹، ص ۳۱۶).

در روایت صحیح ابوجریر قمی از امام کاظم علیه السلام پس از بیان پنج مرحله برای خلقت آدمی و بیان مراحل و دیه مربوط به آنها، برای ولوج روح، دیه کامل ثابت دانسته شده است (طوسی، ۱۴۱۸، ج ۱۰، ص ۲۸۲).

اما در برخی روایات، تنها دو مرحله بیان شده که به عنوان نمونه، در روایت صحیح ابو عبیده از امام باقر علیه السلام آمده: «اگر جنین دارای استخوان، گوشت، چشم و گوش بود (کنایه از تمامیت جسمانی و ولوج روح)، دیه کامل و اگر در حد علقه یا مضغه بود، ۴۰ دینار ثابت می‌باشد» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۳۴۴؛ طوسی، ۱۴۱۸، ج ۱۰، ص ۲۸۷؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۹، ص ۳۱۸).

نتیجه‌گیری

- از بررسی آیات و روایات موجود در بحث ولوج روح می‌توان به این نتایج دست یافت:
۱. تعلق روح به بدن به‌عنوان پدیده‌ای غیرمادی، از حوزه پژوهش دانش پزشکی خارج است و همین موضوع، سبب گردیده که علم پزشکی، بدون تفکیک میان انواع حیات، جنین را از همان آغاز انعقاد نطفه و عمل لقاح، موجودی زنده و دارای حیات به‌شمار می‌آورد.
 ۲. قرآن کریم به‌عنوان یک منبع کامل علم الهی، مراحل را برای حیات جنین در نظر گرفته که در ضمن آن به مسئله ولوج روح اشاره کرده است. آنچه از قرآن و روایات تفسیری به دست می‌آید این است که روح و حیات انسانی، پدیده‌ای فوق طبیعی است، به نحوی که نفخ و ولوج آن در جسم، واقعیتی متفاوت با سایر مراحل رشد جسمی انسان محسوب می‌شود. ولوج روح انسانی در دوران جنینی و قبل از تولد در زمانی بعد از تمامیت خلقت ظاهری بدن و شکل گرفتن اعضا و جوارح اوست.
 ۳. روایات دسته نخست، در تعیین مراحل مختلف رشد جنین، مقدم بر سایر روایات است؛ زیرا علاوه بر اینکه این روایات، کثیر، مورد وثوق و معتبرتر هستند، موافق مراحل شش‌گانه مذکور در آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون است و تعارضی با دیگر روایات نداشته و تنها اختلاف آنها در اجمال و تفصیل است؛ از این رو این دسته، مبنای فتوای بیشتر فقیهان و در نهایت، مبنای قانون‌گذار در ماده ۷۱۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ قرار گرفته است.
 ۴. در روایات، عباراتی همچون: «فَإِذَا أَنْشِئَ فِيهِ الرُّوحَ»؛ «قَبْلَ أَنْ تَلْجَهُ الرُّوحَ» و «فَإِذَا نَشَأَ فِيهِ خَلْقَ آخَرَ وَهُوَ الرُّوحُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۴۲-۳۴۳) و «إِذَا وَلَجَتْهَا الرُّوحُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۰، ص ۲۶۶) و «فَإِذَا أَنْشِئَ فِيهِ خَلْقَ آخَرَ» (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۳۰۰) و «قَدْ نُفِخَ فِيهِ رُوحَ الْعَقْلِ فَإِنَّ عَلَيْهِ دَبَّةً كَامِلَةً» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۴۷) و «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ وَ هَذَا هُوَ مَيِّتٌ بِمَنْزِلَتِهِ قَبْلَ أَنْ يُنْفَخَ فِيهِ الرُّوحُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۴۸)، ناظر بر ولوج روح، خلق آخر، انشاء روح و نفخ روح، حاکی از اتمام خلقت پس از ولوج روح در دوران جنینی است. لذا ولوج روح قبل از تولد و در دوران وجود جنین در رحم، بعد از کامل شدن خلقت جسم مادی جدید و شکل گرفتن تمامی اعضا و جوارح واقع می‌شود. این حقیقت

همسو با آیات قرآن است که نفخ روح را بعد از تسویه قرار داده است.

۵. در بیشتر روایات مربوط به جنین، بدون تعیین زمانی خاص برای پدیده ولوج روح، تنها به بیان توقف حکم دیه کامل در این پدیده اکتفا شده و این گویای این است که پدیده ولوج روح از نظر عرفی و طبیعی برای مخاطبان، قابل تشخیص و شناسایی بوده و نمی‌توان آن را پدیده غیبی و ماوراء طبیعی دانست که فاقد آثار طبیعی است و زمان تحقق آن، غیر قابل تشخیص است. پس با توجه به اینکه از آیات قرآن کریم و روایات فراوان از جمله برخی از روایات دیه جنین به دست آمد که نفخ و ولوج روح ذاتاً پدیده‌ای غیرمادی است، ضرورتاً به این نتیجه می‌رسیم که این پدیده غیرمادی، دارای آثار ظاهری و مادی بوده که قابل شناسایی برای عموم انسان‌ها است. بهترین تبیین برای چنین واقعیتی که ذاتاً غیرطبیعی و اثراً طبیعی است، با توجه به عدم تفکیک میان روح انسانی و روح حیوانی در روایات اینکه این پدیده هم‌زمان با ولوج روح حیوانی در جنین پدید می‌آید و در نتیجه، از طریق آثار حیات حیوانی همچون حرکت ارادی و دریافت پیام‌های حسی از طریق حواسی مانند شنوایی یا بینایی که از عوارض ذاتی حیات حیوانی (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۵۸، ص ۱۰۷؛ تفتازانی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۳۵؛ شیرازی، ۱۹۸۱م، ج ۲، ص ۴۴۱) هستند، قابل تشخیص خواهد بود.

۶. حیات یک ارگانیزم انسانی، در هر مرحله‌ای که از مراحل تکوینی، دارای ارزش ذاتی است؛ هرچند که تکامل نیافته باشد؛ زیرا آغازی است برای انسان شدن (جوهری، ۱۳۸۵، ص ۸۶). بر اساس این نگرش، ملاک در حرمت اتلاف، قابلیت و شأنیت انسان شدن آن چیزی است که اگر شرایط برای تکاملش (رشد و نمو) فراهم شود، می‌تواند تبدیل به انسان شود. لذا موجود انسانی از همان لحظه‌ای که ایجاد شده، باید محترم دانسته شود و همه حقوق انسانی‌اش از جمله حق حیاتش رعایت گردد (نوراحمدی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۶۵-۶۹). همچنین از آنجا که نطفه، منشأ تکون انسان به حساب می‌آید و بی‌مبالاتی در حفظ آن جایز نیست، رعایت احتیاط و دوری کردن از موارد مشکوک الحرمه در این مورد، لازم بوده و در موارد مشکوک باید به اصالة الاحتیاط در دم پایبند بود و از عملی که منجر به سلب حیات جنین می‌شود جلوگیری کرد (حسینی روحانی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۰).

۷. تعیین زمان چهار ماهگی برای ولوج روح در برخی از روایات در منابع شیعه، امری تعبدی نیست؛ بلکه اخبار از زمان عادی و طبیعی آن است. ازاین رو آنچه سبب علم به پدیده ولوج روح می‌شود، آثار و قرائنی طبیعی است که به تنهایی یا به ضمیمه قرائن دیگر، موجب چنین علم یا اطمینانی می‌شوند و پایان چهار ماهگی هم اجمالاً می‌تواند یکی از آن قرائن باشد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن ادریس حلی، ابو جعفر؛ **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی؛ **من لایحضره الفقیه**؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۳ ق.
۳. ابن براج طرابلسی، القاضی عبدالعزیز؛ **المهذب**؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۶ ق.
۴. احمدی، امیرعلی؛ **بررسی جنبه‌های اجتماعی تحقیقات شبیه‌سازی و سلول‌های بنیادی**؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۶ ش.
۵. اردبیلی، احمد بن محمد؛ **مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان**؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ ق.
۶. اسکندرلو، محمد جواد و علی زیدی، سید بهادر؛ **(بررسی اعجاز علمی قرآن در مراحل خلقت و تکوین جنین انسان)**؛ دو فصلنامه قرآن و علم، شماره ۱۸، ۱۳۹۵ ش.
۷. اشعری قمی، احمد بن محمد بن عیسی؛ **کتاب النوادر**؛ قم: مدرسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۸ ق.
۸. اصفهانی، محمد حسین؛ **حاشیه کتاب المکاسب**؛ تصحیح: عباس محمد السباع قطیفی، قم: ذوی القربی، ۱۴۱۹ ق.
۹. امامی، مسعود؛ **(ولوچ روح در جنین)**؛ فصلنامه فقه، کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۴۹، ۱۳۸۵ ش.
۱۰. آخوند خراسانی، محمد کاظم؛ **کفایه الاصول**؛ قم: مؤسسه آل‌البتین (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ ق.
۱۱. آل‌رسول، سوسن و مریم طاهری زاده؛ **(بررسی تطبیقی آیات مربوط به علقه با علم جنین‌شناسی)**، مجله مطالعات قرآنی، شماره ۴، ۱۳۸۹ ش.

۱۲. بحرانی، یوسف بن احمد؛ **الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة**؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵-۱۴۰۹ق.
۱۳. بحرانی، یوسف بن احمد؛ **الدرر النجفیه من الملتقطات الیوسفیه**؛ بیروت: دار المصطفی لإحیاء التراث، ۱۴۲۳ق.
۱۴. پریور، کاظم؛ **جنین شناسی**؛ تهران: نشر مبتکران، ۱۳۷۸ش.
۱۵. تبریزی، جواد بن علی؛ **صراط النجاه**؛ قم: دار الصدیقه الشهیده، ۱۴۲۷ق.
۱۶. تفتازانی؛ **شرح المقاصد**؛ پاکستان: دار المعارف العثمانیه، ۱۴۰۱ق.
۱۷. تقوی، نازیلا؛ اسدی نژاد، محمد و عمانی سامانی، رضا؛ «بررسی ماهیت جنین های منجمد از نظر فقهی، اخلاقی و حقوقی»؛ فصلنامه فقه پزشکی، سال هشتم، شماره ۲۶-۲۷، ۱۳۹۵ش.
۱۸. جعفری، محمدتقی؛ **تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب و تطبیق آن دو بر یکدیگر**؛ تهران: دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰ش.
۱۹. جمع من المحققین فی اللجنة الفقهیه؛ **موسوعة احکام الاطفال و ادلتها**؛ تألیف نظمها: الشیخ قدره الله الانصاری؛ قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۴۲۹ق.
۲۰. جواهری، حسن؛ «تقسیم جنینی و شبیه سازی»؛ مجله کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۸۶، ۱۳۸۵ش.
۲۱. جهانیان، منیره و محمود فرهودی؛ «شناختی از «ثم انشاناہ خلقاً آخر» و ارتباط آن با مراحل رشد جنین از نظر پزشکی»؛ مجله اخلاق پزشکی، شماره ۹، ص ۱۶۳-۱۷۰، ۱۳۸۸ش.
۲۲. حر عاملی، محمد بن حسن؛ **تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة**؛ قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.
۲۳. حسن زاده آملی، حسن؛ **اخلاق پزشکی و تشریح از نظر علمای اسلامی**؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات اخلاق پزشکی، ۱۳۷۳ش.
۲۴. حسینی روحانی، سید صادق؛ **المسائل المستحدثة**؛ قم: دار الکتب، ۱۴۱۴ق.
۲۵. حسینی، ابوالقاسم؛ «بررسی ابعاد حیات در طول زندگی جنینی و نقش آنها در دیه»؛ فصلنامه الهیات و حقوق، شماره ۲۷، ۱۳۸۷ش.

۲۶. حکیم طباطبایی، سید محمد سعید؛ **منهاج الصالحین**؛ بیروت: دارالصفوه، ۱۴۱۵ق.
۲۷. حلبی، ابوالصلاح، تقی‌الدین بن نجم‌الدین؛ **الکافی فی الفقه**؛ اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۳ق.
۲۸. الحلّی الهذلی، یحیی بن سعید؛ **الجامع للشرایع**؛ قم: منشورات موسسه سیدالشهداء علیه السلام العلمیه، ۱۴۰۵ق.
۲۹. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر؛ **منتهی المطلب فی تحقیق المطلب**؛ مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۲-۱۴۲۴ق.
۳۰. خوارزمی، تاج‌الدین حسین بن حسن؛ **شرح فصوص الحکم**؛ تهران: انتشارات مولی، ۱۳۶۸ش.
۳۱. خویی، سید ابوالقاسم موسوی؛ **موسوعه الامام الخویی**؛ قم: موسسه احیاء آثار الامام خویی، ۱۴۲۲ق.
۳۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ **مفردات ألفاظ القرآن**؛ سوریه: دار العلم - الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق.
۳۳. سالدر، تی؛ **جنبین شناسی پزشکی لانگمن**؛ ترجمه: ماندانا اعرابی و فرید رئیس‌زاده؛ تهران: مؤسسه انتشاراتی تیمورزاده، ۱۳۶۷ش.
۳۴. شهریار، حمید؛ «اهدای گامت از منظر اخلاق اسلامی»؛ فصلنامه پایش، دوره چهارم، شماره ۶، ص ۳۹۵-۳۸۵، ۱۳۸۶ش.
۳۵. الشهید الاول، محمد بن جمال‌الدین مکی العاملی؛ **ذکری الشیعہ فی احکام الشریعہ**؛ قم: موسسه آل‌البتین علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۹ق.
۳۶. شیخ انصاری، مرتضی؛ **کتاب الطهاره (تراث الشیخ الاعظم)**؛ قم: المؤتمر العالمی بمناسبه الذکری المئویہ الثانیه لمیلاد الشیخ الانصاری، ۱۴۱۵-۱۴۱۸ق.
۳۷. شیخ بهایی، بهاء‌الدین؛ **الحبل المتین فی احکام احکام الدین (رسائل الشیخ بهاء‌الدین)**؛ قم: مکتبه بصیرتی، ۱۳۹۰ق.
۳۸. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان بن عکبری بغدادی؛ **المقنعه**؛ قم: دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ق.

۳۹. شیرازی، صدرالدین محمد؛ **الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه**؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱ م.
۴۰. طباطبایی قمی، سید تقی؛ **الدلائل فی شرح منتخب المسائل**؛ قم: کتاب فروشی محلاتی، ۱۴۲۳ ق.
۴۱. طباطبایی، سید محمد حسین؛ **المیزان فی تفسیر القرآن**؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
۴۲. طوسی، محمد بن حسن؛ **تهذیب الاحکام**؛ تهران: مکتبه الصدوق، ۱۴۰۷-۱۴۱۸.
۴۳. طوسی، محمد بن حسن؛ **الإستبصار فیما اختلف من الأخبار**؛ تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۹۰ ق.
۴۴. فاضل لنکرانی، محمد؛ **احکام پزشکان و بیماران**؛ نرم افزار جامع فقه، بی تا.
۴۵. فاضل هندی، بهاء الدین محمد بن حسن اصفهانی؛ **کشف اللثام عن قواعد الاحکام**؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶-۱۴۲۴ ق.
۴۶. قطیفی آل طوق، احمد بن صالح؛ **رسائل آل طوق القطیفی**، بیروت: دار المصطفی لاحیاء التراث، بیروت، ۱۴۲۲ ق.
۴۷. کامکار، زهره؛ **شهنواز رضوی و امین ناجی، محمد هادی**؛ «مقایسه مراحل تکامل جنین انسان از دیدگاه قرآن و حدیث و علم جنین شناسی»؛ **مجله پژوهش های علم و دین**، شماره ۲، ص ۱۳۹-۱۵۹، ۱۳۸۹ ش.
۴۸. کلینی، محمد بن یعقوب؛ **الکافی**؛ تحقیق: علی اکبر غفاری؛ قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۴۹. گودرزی، فرامرز؛ **پزشکی قانونی**؛ تهران: انیشتین، ۱۳۷۷ ش.
۵۰. مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام**، بیروت: مؤسسه الطبع و النشر - دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳-۱۴۱۰ ق.
۵۱. مجلسی، محمد باقر؛ **مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول**؛ تحقیق: سید هاشم رسولی؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴-۱۴۱۱ ق.
۵۲. مجلسی، محمد تقی؛ **روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه**؛ قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶ ق.

۵۳. محسنی قندهاری، محمد آصف؛ **الفقه و مسائل طبیه**؛ قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۴ق.
۵۴. محقق کرکی، علی بن الحسین؛ **جامع المقاصد فی شرح القواعد**؛ قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.
۵۵. مصباح یزدی، محمد تقی؛ **معارف قرآن**؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۱ش.
۵۶. مصطفوی، حسن؛ **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۰۲ق.
۵۷. مکارم شیرازی، ناصر؛ **احکام پزشکی**؛ تهیه و تنظیم: ابوالقاسم علیان نژادی؛ قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیهم السلام، ۱۴۲۹ق.
۵۸. منتظری، حسینعلی؛ **احکام پزشکی**؛ قم: نشر سایه، ۱۴۲۷ق.
۵۹. المنسوب للامام الرضا علیه السلام؛ **فقه الرضا**؛ مشهد: المؤتمر العالمی للامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶ق.
۶۰. موسوی العاملی، السید محمد؛ **مذاکر الاحکام فی شرح شرائع الاسلام**؛ قم: موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۰ق.
۶۱. موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی؛ **مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام**؛ بیروت: موسسه المنار، ۱۴۱۳-۱۴۱۷ق.
۶۲. نجفی، شیخ محمد حسن؛ **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**؛ تحقیق: عباس قوچانی و علی آخوندی؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۶۳. نراقی، احمد؛ **مستند الشیعه الی احکام الشریعه**؛ قم: موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۵-۱۴۱۹ق.
۶۴. نوراحمدی، انسیه؛ تولایی، علی و مهدوی کنی، صدیقه؛ **جنین آزمایشگاهی بدون صاحب از منظر فقه امامیه**؛ تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۹ش.
۶۵. نورمحمدی، غلامرضا؛ «مراحل رشد جنین از منظر قرآن»؛ مجله پژوهش های میان رشته ای قرآن کریم، شماره ۲، ص ۵-۱۶، ۱۳۸۸ش.

۶۶. وحید خراسانی، حسین؛ **منهاج الصالحین** (السید ابوالقاسم الموسوی الخویبی مع فتاوی الشیخ حسین الوحید الخراسانی)؛ قم: مدرسه امام باقر علیه السلام، ۱۴۲۸ق.
۶۷. همدانی، آقارضا؛ **مصباح الفقیه**؛ قم: موسسه جعفریه لاحیاء التراث ودفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶-۱۴۲۴ق.